



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس

مصادف با: ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۵

موضوع جزئی: المقام الرابع: فیما لا یستثنی من الخمس فی الغنائم الحربیة

جلسه: ۱۰۱

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مواردی است که از خمس استثناء نشده به عبارت دیگر مواردی که خمس در آنها واجب است و مثل سایر غنائم بعد اخراج الخمس بین مقاتلین تقسیم می‌شود؛ عرض کردیم این موارد پنج مورد هستند که در مورد اول یعنی فداء بحث کردیم و گفتیم فداء یعنی مالی که بدلاً عن الاسیر اخذ می‌شود طبق نظر بعضی از بزرگان به طور مطلق خمس در آن واجب است از جمله مرحوم سید تبعاً لبعض الاعاظم. در مقابل بعضی تفصیل داده‌اند بین اخذ فداء قبل الحرب و بعد الحرب یا قبل الغلبة و بعد الغلبة. نتیجه بحث ما در این بخش این شد که اگر فداء به طور کلی قبل از حرب و قبل از تهیء برای حرب اخذ شود، بر آن صدق عنوان غنیمت نمی‌شود لذا دلیل خمس شامل آن نمی‌شود اما اگر فداء در آنچه که مربوط به شئون حرب است اخذ شود از وقتی که در مقابل هم صف آرائی کرده‌اند ولو هنوز قتال محقق نشده یا حین القتال و یا بعد القتال اخذ بشود در این صورت صدق غنیمت بر آن می‌شود و اطلاق آیه خمس و دلیل خمس شامل آن می‌شود.

پس خلافاً لما ذهب اليه صاحب العروة و تبعاً لما ذهب اليه السيد الماتن امام (ره) عرض می‌کنیم اگر در حال حرب و از شئون حرب و از تبعات حرب باشد اینجا خمس تعلق می‌گیرد البته طبق یک احتمال که در کلام امام (ره) ذکر کردیم و الا اگر تعبیر شئون حرب شامل مرحله تهیء قریب به قتال نشود، آنگاه نظر ما با نظر امام فرق می‌کند. و الا فهو للامام چون صدق غنیمت نمی‌شود و ملحق می‌شود به ما اخذ من الکفار به هر نحوی از انحاء که این بحث مستقلاً دارد.

و هم چنین عرض کردیم که به نظر می‌رسد تعبیری که امام (ره) اینجا فرمودند از سایر تعبیر که در این بحث مطرح شده، اولی و اقوی باشد چون تعبیر دیگران بر مدار قبل الغلبة و بعد الغلبة دور می‌زند اما عبارت امام بر تعلیقه بر عروة این است که اگر فداء از شئون حرب و تبعات حرب باشد، متعلق خمس است چون صدق عنوان غنیمت بر آن می‌شود. همین بحث در دو مورد دیگر هم مطرح است یعنی مورد دوم جزیه و مورد سوم مصالحه:

۲- ما اخذ جزیه لتلك السریه

مورد دوم ما اخذ جزیه لتلك السریه است یعنی آن مالی که از کفار گرفته می‌شود به عنوان اینکه در تحت لواء حکومت اسلامی زندگی کنند و در امان باشند. جزیه اگر در شرایط عادی و در غیر مورد جنگ و قتال اخذ شود تکلیف آن معلوم است آنجا صدق غنیمت بر آن نمی‌شود و عنوان غنیمت جنگی صادق نیست چون وقتی جزیه می‌دهند اصلاً از اهل حرب بودن خارج می‌شوند و لذا صدق عنوان غنیمت به طور کلی منتفی می‌شود اگر ما در معنای غنیمت عنوان قتال را اخذ کنیم

و بگوئیم در غنیمت جنگی باید قتال محقق شود و صرف اینکه از کفار گرفته می‌شود، این کافی نیست قهراً مالی که به عنوان جزیه از کفار گرفته می‌شود صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن نمی‌شود لذا مشمول دلیل خمس و آیه خمس نیست. اما گاهی از اوقات برای خصوص آن جنگ و در خصوص حرب و قتال اخذ می‌شود (جزیه‌ای که مربوط به همان جنگ است) به هر حال در شرائطی که کفاری که مشغول حرب با مسلمین هستند جزیه می‌پردازند. در مورد جزیه مربوط به آن جنگ، همان بحثی که در مورد فداء کردیم جریان دارد بین قبل الغلبة و بعد الغلبة بعضی تفصیل نداده و به طور کلی گفته‌اند جزیه متعلق به آن جنگ و سریه، متعلق خمس است چه قبل الغلبة باشد و چه بعد الغلبة (همان کسانی که در مورد فداء قائل به ثبوت خمس شده‌اند مطلقاً، در جزیه متعلق به آن سریه هم بین قبل الغلبة و بعد الغلبة تفصیل نداده‌اند.

در مقابل، این تفصیل را بعضی از اصحاب قائل شده‌اند یعنی گفته‌اند جزیه‌ای که مبذول برای آن سریه است اگر قبل الغلبة باشد متعلق خمس نیست چون صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن نمی‌شود غنیمت جنگی یعنی ما یؤخذ بالقهر و الغلبة؛ اگر این جزیه بدون زور و غلبه و قتال اخذ شود، عنوان غنیمت جنگی بر آن منطبق نیست پس دلیل خمس شامل آن نمی‌شود اما اگر بعد الغلبة و بالقهر و الغلبة اخذ شود، چون عنوان غنیمت جنگی بر این جزیه منطبق است قهراً مشمول اطلاق آیه خمس هست؛ الان بحث ما در غنیمت جنگی است قدر متیقن از ما غنمتم، غنیمت جنگی است چون باید غنیمت جنگی باشد تا متعلق خمس شود. اما اگر قبل الغلبة من دون قهر اخذ شود، اینجا چون صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن نمی‌شود لذا متعلق خمس نیست.

۳- ما صلحو علیه

مورد سوم ما صلحو علیه است یعنی آن اموالی که بر آن مصالحه و صلح می‌کنند. مثلاً بین کفار و مسلمین جنگ صورت گرفته و مسلمین غلبه پیدا می‌کنند و به هر حال شرایطی پیش می‌آید که نسبت به آنچه که در دست آنهاست بین مسلمین و کفار صلح پیش می‌آید مثلاً صلح بر بعضی از اموال در مقداری از اموال دیگر؛ آنچه که مسلمین با کفار بر سر آن صلح می‌کنند این طبق نظر یک گروه مطلقاً متعلق خمس است یعنی چه قبل الغلبة و چه بعد الغلبة متعلق خمس است و در مقابل گروه دوم می‌گویند مطلقاً ما اخذ صلحاً متعلق خمس نیست بلکه در صورتی متعلق خمس است که به عنوان غنیمت جنگی اخذ شده باشد یعنی بعد الغلبة باشد و بالقهر و الغلبة اخذ شده باشد که در این صورت به واسطه صدق عنوان غنیمت جنگی مانند سایر مغانم، خمس آن واجب است. پس بین این دو فرض تفصیل داده‌اند.

نظر ما در ما صلحو علیه یا ما اخذ صلحاً مانند الجزیه المبذولة لتلك السرية است؛ ما می‌گوییم آنچه به حرب مربوط است و از شئون حرب محسوب می‌شود ولو در مرحله تهیء و آمادگی و مقدمات قریب به حرب باشد، متعلق خمس است چون وقتی که مهیا و آماده برای جنگ شدند و هنوز قتال هم محقق نشده، آنچه اخذ می‌شود بعید نیست بگوئیم این غنیمت جنگی می‌باشد.

اما اگر از مقدمات قریب به حرب نباشد در این صورت متعلق خمس نیست چون عنوان غنیمت جنگی بر آن صدق نمی‌کند. سؤال: در این صورت مال چه کسی است؟

استاد: اگر غنیمت جنگی محسوب شود مثل سایر مغانم یُقَسَّم بین المقاتلین.

سؤال: این یک قرار داد بین امام معصوم و کفار است و ربطی به مقاتلین ندارد.

استاد: در جنگ این صلح و جزیه تحقق می‌گیرد مطلق جزیه مراد نیست «الجزية المبدولة لتلك السرية» بحث در این است و مطلق جزیه مراد نیست و تصریح دارند «بخلاف سایر افراد الجزية» در مورد صلح هم همین طور است.

نکته:

به طور کلی اینجا در حقیقت بحث در این است که این موارد غنیمت جنگی محسوب می‌شوند یا نه. مواردی قدر مسلم از غنائم جنگی هستند و در صدق عنوان غنیمت جنگی بر آنها هیچ تردیدی نیست ولی این موارد کأن محل بحث و اختلاف واقع شده که تعدد من الغنائم الحربية أم لا؟ منظور ما از اینکه اینها از خمس استثناء نشده‌اند به حسب واقع این است نه اینکه مع حفظ عنوان الغنیمه استثناء شده‌اند مثل صفایا.

البته عنوان بحث ما در مقام ثالث فیما یستثنی من الخمس بود منظور از استثناء خمس این بود که مع فرض صدق عنوان الغنیمه، خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد؛ اموری که از تعلق خمس استثناء شده‌اند صفایا، اموال الملوک، ما يجعله الامام لشخص أو لمصلحة بود که گفتیم این سه مورد از خمس استثناء شده‌اند یعنی از شمول دلیل خمس خارج شده‌اند یعنی کأن این گونه گفته که يجب الخمس فی الغنائم الحربية الا فی هذه الموارد در این اموری که گفتیم استثناء شده، استثناء متصل است یا به عبارت دیگر خروج تخصیصاً واقع شده یعنی با اینکه اینها غنیمت جنگی هستند و تردیدی در صدق عنوان غنیمت جنگی بر این امور نیست اما مع ذلک خمس اینها واجب نیست.

اما عنوان مقام چهارم «فیما لا یستثنی من الخمس» یعنی در واقع در این مقام بحث ما در این است که آیا اینها تعدد من الغنائم أم لا؟ آیا صدق عنوان غنیمت جنگی بر اینها می‌شود یا نه؟ کسانی که قائل هستند به اینکه در این امور خمس واجب نیست، در واقع استثناء را استثناء منقطع می‌دانند و کسانی که می‌گویند در این امور مانند فداء قبل الغلبة و یا در جزیه در غیر این سربیه و یا در ما اخذ فی الحرب قبل الغلبة خمس واجب نیست و استثناء شدند، در واقع استثناء را منقطع می‌دانند و این یعنی اینها اصلاً لا تعدد من الغنائم و خروج از دلیل وجوب خمس خروج موضوعی و تخصیصی است.

پس این نکته را دقت باید کرد که بین تعبیر استثناء در مقام چهارم با تعبیر استثناء در مقام سوم فرق است؛ در مقام ثالث گفتیم مواردی از تعلق خمس استثناء شده یعنی این امور با اینکه عنوان غنیمت جنگی بر آنها صدق می‌کند ولی متعلق خمس نیستند پس خروج این امور از دلیل خمس یک خروج تخصیصی می‌شود یا به عبارت دیگر استثناء در مقام ثالث یک استثناء متصل است اما در مقام چهارم در اموری که گفته می‌شود استثناء نشده و متعلق خمس هستند از این باب است که بر اینها مانند سایر غنائم عنوان غنیمت جنگی صادق است و مواردی که از شمول دلیل خمس خارج شده‌اند مانند فداء قبل الغلبة و موارد دیگر که از دلیل خمس استثناء شده‌اند، به استثناء منقطع می‌باشد یعنی از دلیل خمس خارج هستند موضوعاً و تخصیصاً.

۴- ما اخذ منهم عند الدفاع

مورد چهارم آن چیزی است که از کفار در دفاع اخذ می‌شود؛ ما اخذ منهم دفاعاً در عبارت بزرگان هم هست. این مورد را امام (ره) متعرض شده‌اند و ما بحث آن را مفصل مطرح کردیم؛ در بین این جهات در مقام ثالث و رابع گفتیم امام فقط همین دو جهت را متعرض شدند. یکی عدم اعتبار مؤونه سنة که بحث آن خواهد آمد و یکی هم آنچه در دفاع اخذ می‌شود. به

طور کلی در مورد غنیمت فرقی نمی‌کند حرب جهادی باشد و ابتدائاً مسلمین به کفار حمله کنند یا دفاعی باشد یعنی مسلمین در حمله کفار از خودشان دفاع کرده و آنها را شکست داده‌اند و از آنها اموالی را بدست آورده‌اند. این هم متعلق خمس است چون بصدق علیه عنوان الغنیمۃ الحریبه.

حال آیا آن تفصیلی که در مورد فداء و جزیه و مصالحه مطرح شد اینجا هم جریان دارد؟ ظاهراً کسی در این مورد قائل به این تفصیل نشده البته بعضی قائل شده‌اند به اینکه تعلق خمس فقط مربوط به جهاد ابتدائی است نه در جهاد دفاعی. نظر ما سابقاً در آن مسئله گفته شد؛ در بحث جنگ دفاعی یعنی آنچه را مسلمین در حال دفاع اخذ می‌کنند گفتیم متعلق خمس است چون عنوان غنیمت جنگی بر آن منطبق است و حرب اعم است از حرب جهادی و حرب دفاعی. اینجا به نظر می‌رسد. در حرب این تفصیل را نباید داد؛ چون دفاع خودش جنگ است و آنچه در حال دفاع اخذ می‌شود مربوط به شئون حرب است بله تفصیل بین قبل الغلبة و بعد الغلبة در حال دفاع ثبوتاً ممکن است ولی این درست نیست چون در حال دفاع حتی قبل الغلبة اگر مالی اخذ شود صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن می‌شود و از شئون حرب محسوب می‌شود لذا ما یؤخذ منهم دفاعاً یا این عنوان ما یؤخذ منهم عند الدفاع معهم إذا هجموا علی المسلمین فی امکنتهم این هم متعلق خمس هست چون یعدّ من الغنائم الحریبه و تفصیلی که در سه مورد قبلی بیان شد و عده‌ای قائل شدند از جمله امام (ره) و ما به نوعی دیگر قائل به تفصیل شدیم، اینجا اصلاً به نظر ما معنایی ندارد و متصور نیست.

پس به طور کلی در فداء، جزیه، مصالحه حکم واحد است؛ این سه مورد اگر در یکی از شئون مربوط به جنگ و تبعات آن اخذ شوند متعلق خمس هستند چون صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن می‌شود که البته ما عرض کردیم در مرحله تهیء و آمادگی هم بعید نیست که صدق عنوان غنیمت جنگی بر آن بشود اگر آن مرحله مقدمه و قوه قریب به فعل باشد نه مرحله آمادگی که با خود حرب فاصله زیادی دارد و ما این مرحله تهیء را به صف آرائی مقابل هم تفسیر کردیم ولو عملاً هنوز جنگی اتفاق نیفتاده باشد. اما در مورد دفاع دیگر تفصیلی نیست و اصلاً تفصیل معنایی ندارد چون دفاع یعنی جنگ و کفار حمله کردند و اینها در حال دفاع غنائمی را اخذ کرده‌اند.

بحث جلسه آینده: بحث در مورد سلب إن شاء الله خواهد بود.

«والحمد لله رب العالمین»